

فقه ورزش؛ ماهیت و ضرورت

علیرضا صانعی^۱

سیدمحمدرضا میریوسفی^۲

علی احدی^۳

چکیده

فقه ورزش به عنوان شاخه‌ای از شاخه‌های فقه از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است که به تعیین باید و نبایدهای شرعی رفتارهای ورزشکاران، تماشاگران، مدیران و دیگر عوامل انسانی دخیل در عمل ورزش، می‌پردازد. فقه ورزش که نسبت «فقه» و «ورزش» در آن ترکیب، نسبت مضاف و مضاف‌الیه است، درصدد است که در گفتمان «تربیت‌بدنی اسلامی» تجویزات و بایدها و نبایدهایی را از منابع شریعت اسلامی (کتاب، سنت و عقل) استخراج، و برای رفتارهای اختیاری عوامل انسانی دخیل در فرایند ورزش (اعم از ورزشکاران، مربیان، مدیران، سیاستگذاران و...) حکمی از احکام شرعی (واجب، حرام، مستحب، مکروه و مباح) را استنباط کند. کثرت مسائل و قواعد فقهی پرکاربرد در ورزش، ضرورت تخصصی‌سازی فقه، جامعیت اسلام و شریعت و لزوم تدوین نظام تربیت‌بدنی اسلامی، از مهم‌ترین دلایل ضرورت و اهمیت تشکیل فقه ورزش هستند.

کلیدواژه‌ها: فقه ورزش، فلسفه فقه ورزش، ورزش، تربیت‌بدنی اسلامی

۱. دکتری حکمت متعالیه از موسسه امام خمینی (ره) قم، alirezazaneie52@yahoo.com.

۲. دکتری عرفان و ادیان از موسسه امام خمینی (ره) قم، Abasehosyen@yahoo.com.

۳. کارشناسی ارشد فلسفه از موسسه امام خمینی ره، aliahadi13671988@gmail.com.

بیان مسأله

تعالیم حیات‌بخش اسلام، سعادت دنیوی و اخروی همه انسان‌ها را تأمین می‌کند. اسلام در همهٔ ساحت‌های زندگی انسان، اعم از مادی و معنوی، فردی و اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، قوانین و مقرراتی وضع کرده است. این قوانین و مقرراتی که اسلام برای این عرصه‌ها در نظر گرفته را «فقه» می‌گویند و علم بدان را «علم فقه» می‌نامند. امام خمینی (ره) دربارهٔ حد دخالت دین در عرصه‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و علمی می‌فرماید: «اسلام مکتبی است که برخلاف مکتب‌های غیرتوحیدی در تمام شئون فردی و اجتماعی، مادی و معنوی، فرهنگی و سیاسی، نظامی و اقتصادی دخالت و نظارت دارد و از هیچ نکته، ولو بسیار ناچیز که در تربیت انسان و جامعه و پیشرفت مادی و معنوی نقش دارد، فروگذار ننموده و موانع و مشکلات سر راه تکامل را در اجتماع و فرد گوشزد نموده و به رفع آن‌ها کوشیده است.» (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲۱: ۴۰۲-۴۰۳) همچنین امام راحل (ره) فرمودند که: «فقه، تئوری واقعی و کامل اداره انسان از گهواره تا گور است.» (همان: ۲۸۹) یعنی فقه آمده که برنامه دین برای زندگی انسان‌ها از گهواره تا گور را ترسیم کند و سعادت دنیوی و اخروی انسان‌ها را -چه در ابعاد فردی و چه در ابعاد اجتماعی- تأمین کند.

امروزه به خاطر پیشرفت‌ها و تحولاتی که در علوم بشری رخ داده، فقه موجود، علاوه بر این که در مباحث نظری و فردی به غنای مطلوبی دست پیدا کرده، باید در مقام عمل نیز کارآیی و گره‌گشایی بیشتری داشته باشد و با ورود به عرصه‌های اجتماعی، خود را کامل‌تر و جامع‌تر کند. این نحوه ورود نظری و فردی که در فقه مرسوم بوده، شاید قبل از انقلاب به دلیل این که فقهای ما سهمی در مدیریت اجتماعی نداشته‌اند و از مناسبات حکومتی به دور بوده‌اند، قابل پذیرش باشد، اما پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی که فقه اهل بیت (ع) با تمام قامت وارد زندگی انسان‌ها و اجتماع شده و هم‌آوردی با سایر نظریه‌ها و اندیشه‌های ساخته و پرداخته بشری را در دستور کار قرار داده، قابل توجیه نیست.

از این رو، پرداختن به حوزه‌های جدیدی که فقه باید در آنها ورود پیدا کند ضروری است؛ زیرا فقه علم محوری و کانونی در حوزه‌های علمیه شیعه است که با تلاش سترگ فقهای عظام طی قرون متمادی از جهت منابع به متقن‌ترین آنها و از نگاه روشی به نظام‌مندترین روش‌ها استوار است. اضافه شدن واژه «فقه» به هر یک از حوزه‌های علوم بشری، چتر نگاه دینی را به آن می‌گستراند و به صورت روش‌مند، مباحث آن علم را به پژوهش نشسته و به نقد می‌کشد و سخن دین را طرح می‌نماید.

از سویی، با توجه به این‌که فقه ناظر به عمل بوده و کاربردی است، اصطکاک زیادی با مباحث تربیت‌بدنی و ورزش دارد؛ چراکه فقه به دنبال تبیین ارتباطات انسان در زندگی دنیایی است؛ همانند ارتباط با خداوند متعال، ارتباط با خود، با دیگران و با اشیاء. در ورزش و تربیت‌بدنی نیز عین همین ارتباطات برای ورزشکار و نهادهای ورزشی مطرح است. به عنوان نمونه، یک ورزشکار تا چه اندازه‌ای می‌تواند برای ورزش کردن وقت صرف کند؟ از چه حدی فراتر رود باعث اتلاف عمر می‌شود؟ یک ورزشکار تا چه اندازه اجازه دارد به بدن خود یا حریفان صدمه بزند؟ یک ورزشکار برای ورزش کردن، تا چه میزان حق استفاده از محیط زیست و حیوانات را دارد؟ این سوالات در ارتباط با شخص ورزشکار است، شبیه همین سوالات را می‌توان درباره نهادهای ورزش (کمیته بین‌المللی المپیک، فدراسیون‌های بین‌المللی ورزشی، کمیته‌های ملی المپیک، فدراسیون‌های ملی ورزشی و...) هم مطرح کرد؛ بدین صورت که آن نهادهای بالادستی ورزش تا چه اندازه‌ای حق قانون‌گذاری و حاکمیت بر نهادهای زیردست و ورزشکاران را دارند؟ در صورت تعارض بین احکام مراجع ورزشی با احکام دینی، ورزشکار یا نهاد ورزشی باید به کدام مرجع عمل کند؛ دین یا آن نهاد بالادستی ورزش؟

به بیانی دیگر، بسیاری از تجویزات اسلام در دانش فقه تجلی می‌یابد و دانش فقه، درصدد است تا برای همه رفتارهای اختیاری انسان‌ها، «بایدها» و «نبایدهایی» را تعیین کند و به این ترتیب، برنامه‌ای از حقوق و تکالیف را ترسیم و گونه‌ای از «سبک زندگی» را طراحی نماید. از دیدگاه فقه اسلامی، رفتارهای ورزشکاران، مربیان، مدیران، تماشاگران، مسابقات ورزشی، بینندگان مسابقات ورزشی و... نیز مانند رفتارهای اختیاری مکلفان، حکمی شرعی دارد و به یکی از احکام پنج‌گانه (واجب، حرام، مستحب، مکروه و مباح) خوانده می‌شود.

در نتیجه فقه‌هاست که همان تلاش برای استخراج حکم شرع برای افعال مکلفین است و ورزش که از جمله همین افعال هستند، با یکدیگر هم افق هستند؛ بنابراین استنباط احکام تربیت‌بدنی و ورزشی با تلاش فقیهانه میسر خواهد بود.

در «فقه ورزش» مباحث و مسائل زیادی مطرح می‌شود؛ از جمله اهمیت و ضرورت بحث از «فقه ورزش»، روش‌شناسی «فقه ورزش»، نظام مسائل «فقه ورزش»، جایگاه‌شناسی «فقه ورزش»، تاریخ و پیشینه «فقه ورزش» و...، که پرداختن به تمامی این مباحث از حوصله این نوشتار خارج است. لذا در این پژوهش مختصر، به مورد ابتدائی که تبیین چرایی (اهمیت و ضرورت) بحث از فقه ورزش باشد، می‌پردازیم و سایر مباحث ان شاء الله در نوشته‌های بعدی به آن‌ها پرداخته می‌شود.

مفاهیم و اصطلاحات

(۱) فقه

مصباح‌المنیر و لسان‌العرب، واژه فقه را به معنای دانستن، فهمیدن، ادراک و علم به کار برده‌اند، (فیومی، ۱۴۰۵: ذیل واژه فقه؛ ابن‌منظور، ۱۴۰۵: ذیل ماده فقه) اما آنچه که از تصریح لغویان و کاربردهای واژه فقه به دست می‌آید، معنای فقه، اخص از مطلق فهم و آگاهی است و منظور از آن علم و آگاهی‌ای است که با تأمل و دقت همراه باشد. (ابن‌فارس، ۱۴۱۱: ذیل ماده فقه؛ عسگری، ۱۴۱۲: ۴۱۲؛ راغب اصفهانی، ۱۳۷۳: ماده فقه)

فقه در اصطلاح عبارت است از: «الفقه هو العمل بالاحکام الشرعیة الفرعیة عن ادلتها التفصیلیة (شهید اول، ۱۴۱۹، ج ۱: ۴۰؛ مقداد، ۱۴۰۳: ۵؛ صاحب‌معالم، ۱۳۷۸: ۲۶ و ۲۲)؛ دانستن احکام شرعی فرعی از روی ادله تفصیلی آن». مراد از قید شرعی در احکام شرعی گزاره‌هایی است که شأن آن‌ها این است که از شارع مقدس گرفته شود. منظور از ادله تفصیلی، منابع فقه می‌باشد که در فقه شیعه، کتاب، سنت، اجماع و عقل است. هم‌چنین قید فرعی، خارج‌کننده اصول دین و عقاید است و به وسیله ادله تفصیلی، علم به احکام از روی تقلید خارج می‌شود. (حسین‌زاده، ۱۳۸۷: ۲۶)

(۲) ورزش

ورزش از نظر لغوی به معنای اجرای مرتب تمرین‌های بدنی به منظور تکمیل قوای جسمی و روحی است. (معین، ۱۳۷۸، ج ۱: ۲۳۱؛ دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۵: ۲۳۱۶۱) در «برهان قاطع»، ورزش به معنی ملکه کردن و ورزیدن آمده است. (برهان، ۱۳۶۱، ج ۴: ۲۲۶۹) در عربی کلمه «الریاضه» بر ورزش و فعالیت بدنی دلالت می‌کند. «الریاضه» به معنای ورزش بدنی است و «الریاضی» به معنای ورزشکار. (زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۱: ۲۹۶؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۴: ۷۰) ورزش در زبان انگلیسی و فرانسه، معادل Sport و به معنای دگرگونی و تغییر است. علت اطلاق این واژه با چنین معنا و مضمونی بر ورزش، آن بود که مردم از رهگذر ورزش و فعالیت‌های ورزشی از مشاغل و فعالیت‌های کاری خود به سرگرمی و تفریح روی می‌آوردند و در واقع، نوع فعالیت خود را تغییر می‌دادند. (مچیکوف، ۲۰۱۴: ۴-۵)

اما ورزش در اصطلاح در معانی مختلفی به کار رفته است، در میان همه آن تعاریف، تعریف مختار نویسنده همان تعریفی است که در سند قانون اهداف، وظایف و اختیارات وزارت ورزش و جوانان بیان شده، که عبارت است از:

فعالیتی مشتمل بر به کارگیری قوای جسمانی، فکری و مهارت‌های حرکتی است که در انواع تربیتی، همگانی، قهرمانی و حرفه‌ای با اهداف معین اجراء می‌شود.^۴

۳) تربیت بدنی

تربیت بدنی (Physical Education) فرایندی آموزشی تلقی می‌شود که از فعالیت جسمانی به عنوان وسیله‌ای برای کمک به مهارت‌های مورد نیاز، آمادگی جسمانی، دانش و نگرش استفاده می‌کند تا بدین ترتیب در رشد بهینه و بهزیستی افراد مشارکت کند. (خلیجی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۳)

در سند راهبردی نظام جامع توسعه تربیت بدنی و ورزش کشور، تعریف تربیت بدنی به این صورت آمده است که: تربیت بدنی بخش مهمی از تعلیم و تربیت است که از طریق حرکت و فعالیت‌های بدنی جریان رشد را در تمام ابعاد وجودی انسان تسهیل و باعث شکوفایی استعداد‌های مطلوب می‌گردد.^۵

تفاوت ورزش و تربیت بدنی

تربیت بدنی تمام اشکال فعالیت‌های بدنی به منظور آمادگی جسمانی، سلامت روانی و عقلانی و تعاملات متقابل اجتماعی لازم را مورد توجه قرار می‌دهد. نتیجه این فعالیت‌های جسمانی، علاوه بر سلامت جسمانی و روانی افراد جامعه، مشارکت با نشاط اقشار مختلف جامعه را فراهم می‌سازد. مشارکتی که موجب ایجاد روابط اجتماعی مناسب و بنا نهادن ارتباط ارتقای روابط سالم میان افراد و گروه‌های فعال در این امر می‌گردد. در واقع هدف تربیت بدنی، پرورش و تکامل انسان است و به همین لحاظ باعث ارتقای فعالیت‌ها و حرکت‌های جمعی می‌شود و به ساختن سرمایه اجتماعی و تقویت ساختار جامعه کمک می‌نماید. این در حالی است که ورزش

^۴. قانون اهداف، وظایف و اختیارات وزارت ورزش و جوانان، ص ۲.

^۵. سند راهبردی نظام جامع توسعه تربیت بدنی و ورزش کشور مصوب جلسه مورخ ۱۳۹۲/۶/۹ هیئت وزیران.

شامل تمام فعالیت‌های جسمانی می‌شود که به منظور رقابت، تفریح، تربیت و سلامتی اجرا می‌شود و در تمام عرصه‌ها دارای کارکرد می‌باشد. به عبارتی دیگر، ورزش به فعالیت‌ها یا مهارت‌های جسمانی اطلاق می‌شود که بر پایه یک رشته قوانین مورد توافق همگانی و با اهداف تفریحی، یا برای مسابقه، نشاط شخصی، دستیابی به ورزشدگی، مهارت‌جویی یا آمیزه‌ای از این اهداف اجرا می‌شود. (قالیباف، ۱۳۸۹: ۱۸۰) اما تربیت بدنی به دنبال پرورش و تکامل انسان است که برای رسیدن به این هدف، از فعالیت جسمانی کمک می‌گیرد.

۴) فقه ورزش

با توجه به تعریف «فقه» و «ورزش»، ترکیب «فقه ورزش» به معنای تعیین باید و نبایدهای شرعی رفتارهای ورزشکاران، مربیان، داوران، تماشاگران، مدیران و دیگر عوامل انسانی دخیل در عمل ورزشی است. «فقه ورزش» درصدد است که در گفتمان «تربیت بدنی اسلامی» تجویزات و بایدها و نبایدهایی را از منابع شریعت اسلامی (کتاب، سنت و عقل) استخراج، و برای رفتارهای اختیاری عوامل انسانی دخیل در فرایند ورزش (اعم از ورزشکاران، مربیان، مدیران، سیاستگذاران و...) حکمی از احکام شرعی (واجب، حرام، مستحب، مکروه و مباح) را استنباط کند.

ایده «فقه ورزش» با هدف تعیین احکام شرعی رفتارهای اختیاری مکلفان در عرصه ورزش، در تلاش است تا با استفاده از روش‌شناسی اجتهادی و استنباطی به این هدف دست یابد و علاوه بر گردآوری گزاره‌های مرتبط به حوزه ورزش در فقه موجود، با نگاهی تخصصی، مسائل و پرسش‌های نوین ورزشی را از منظر فقهی بررسی کند. فقه ورزش در عین این‌که به لحاظ روش‌شناسی و محمول‌شناسی از دانش فقه تبعیت می‌نماید، از لحاظ موضوع و قلمرو مسائل، به حوزه ورزش و تربیت بدنی وامدار است و گستره وسیع قلمرو ورزش اعم از ورزش قهرمانی، ورزش حرفه‌ای، ورزش تربیتی و ورزش همگانی را شامل می‌شود.

بنابراین، با توجه به تعریف «فقه ورزش»، موضوع فقه ورزش عبارت است از رفتارهای اختیاری مکلفان (ورزشکاران، مربیان، داوران، تماشاگران، مدیران و دیگر عوامل انسانی دخیل در عمل ورزشی) و محمول گزاره‌های فقه ورزش، عبارت است از احکام شرعی که اعتبارات و مجعولاتی است که شارع برای مکلفان (ورزشکاران، مربیان، داوران و...) در نظر می‌گیرد و به دو گونه احکام تکلیفی و وضعی تقسیم می‌شود.

نسبت «فقه» و «ورزش» در عبارت «فقه ورزش»، نسبت صفت و موصوف نیست؛ یعنی ما فقهی که ورزشی باشد نداریم و این ورزش هیچ اقتضائی در فقه ایجاد نمی‌کند، بلکه نسبت «فقه» و «ورزش» نسبت مضاف و مضاف‌الیه است؛ بدین معنا که در «فقه ورزش»، فقیه گزاره‌های مرتبط با حوزه ورزش را از منظر فقهی مورد بررسی قرار می‌دهد.

۵) فلسفه فقه ورزش

«فلسفه فقه ورزش»، به چپستی، چرایی و چگونگی فقه ورزش می‌پردازد و علاوه بر جنبه توصیفی و تبیینی، جنبه انتقادی و اصلاح‌گرانه نیز دارد. به عبارتی دیگر؛ «فلسفه فقه ورزش» را می‌توان «بررسی عقلی فرازین فقه ورزش» تعریف کرد که موضوع آن، «فقه ورزش» است و محمول آن احکام کلی و عوارض ذاتیه‌ای درباره هویت و مسائل «فقه ورزش» و نیز مباحث پیرامون این دانش است. بنابراین روش تحقیق در «فلسفه فقه ورزش» با روش تحقیق در «فقه ورزش» متفاوت است؛ چراکه در «فلسفه فقه ورزش» محقق فقط از روشی عقلی استفاده می‌کند، برخلاف «فقه ورزش» که فقیه در آنجا علاوه بر روش عقلی، از روش نقلی نیز بهره می‌برد.

تبیین امکان و ضرورت «فقه ورزش»

الف) امکان «فقه ورزش»

همیشه قبل از پرداختن به ضرورت یک علم یا پدیده‌ای، امکان داشتن آن علم یا پدیده بررسی می‌شود؛ که آیا اساساً این علم یا پدیده مورد نظر امکان وقوع دارد که سوال از ضرورت آن بشود، یا امکان وقوع ندارد که سوال از ضرورت آن، سالبه به انتفاء موضوع تلقی شود.

سخن گفتن از امکان فقه ورزش را می‌توان در دو محور امکان فلسفی و عقلی و امکان وقوعی پی گرفت. از منظر عقلی و فلسفی توسعه علم فقه به عرصه ورزش و تربیت‌بدنی و اختصاص حوزه‌ای از پژوهش‌های فقهی به مسائل مربوط به ورزش و تربیت‌بدنی، هیچ منع عقلی ندارد. اما در ارتباط با امکان وقوعی فقه ورزش، باید بگوئیم که بهترین دلیل برای امکان یک پدیده، وقوع آن در گذشته و یا حال است (ادلّ الدلیل علی امکان الشیء وقوعه).

توضیح آن‌که فقها از سابق به عرصه ورزش و تربیت‌بدنی توجه داشته‌اند و احکامی را برای برخی از رشته‌های ورزشی صادر کرده‌اند. نظیر ورزش‌هایی که فقیهان به استحباب یادگیری و آموزش آن‌ها فتوا داده‌اند، مانند شنا و تیراندازی. (نجفی، ۱۳۶۲، ج ۲۲: ۴۶۶) همچنین به برخی از مسائل فقهی آن رشته‌ها توجه داشته‌اند، نظیر این مسأله که اگر کودکی برای آموزش شنا به معلّم شنا سپرده شود و در اثر حادثه ای، کودک غرق شود، آیا معلّم ضامن است یا خیر؟ (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۷: ۱۷۳؛ ابن‌برّاج، ۱۴۰۶، ج ۲: ۴۹۴) یا این‌که آیا معلّم شنا می‌تواند پیش از آغاز آموزش، خود را از این ضمانت مبرا کند؛ به گونه‌ای که غرق شدن کودک، تعهدی را متوجّه وی نکند؟

ب) ضرورت «فقه ورزش»

۱. کثرت مسائل فقهی در ورزش؛

امروزه هزاران ورزش مختلف در اقصا نقاط دنیا وجود دارد که برخی از آن ورزش‌ها مانند ورزش‌های رزمی خود بالغ بر ۱۰۰ نوع رشته است که در گذشته بسیاری از آن‌ها وجود نداشته است. برخی از آن ورزش‌ها به دیگر نقاط دنیا هم صادر شده‌اند، مانند کونگ‌فو چین، کشتی ایران و یوگای هند.

از سویی باید بدانیم که این موارد، صرفاً حرکات ورزشی نیستند، بلکه عناوینی بر آن‌ها مترتب می‌شود که نیاز به بحث و کندوکاوهای فقهی دارد. این ورزش‌ها دارای تقسیمات متنوعی هستند که درباره هر کدام از آن‌ها باید حکم شرعی آن‌ها استخراج شود؛ نظیر تقسیم ورزش‌ها به ورزش‌های آسیب‌زا و دارای ضرر و ورزش‌های غیرآسیب‌زا و بی‌ضرر؛ ورزش‌هایی که در آن‌ها تشبّه به کفار است و ورزش‌هایی که چنین ویژگی‌ای ندارند؛ ورزش‌هایی که باعث سلطه کافران می‌شوند و ورزش‌هایی که چنین خصلتی در آن‌ها نیست و

گاهی اوقات خود ورزش هیچ مشکلی ندارد اما عناوین ثانویه‌ای که بر آن‌ها بار می‌شود باعث می‌شود آن ورزش مشکل شرعی داشته باشد. عناوین ثانویه مانند اختلاط زن و مرد، پوشش نامناسب، اسراف، موسیقی‌های حرامی که در حین ورزش نواخته می‌شود و

بنابراین، با توجه به حوزه‌های جدیدی که در برابر مکلفان (ورزشکاران، مربیان، داوران، تماشاگران و...) ایجاد می‌شود، بر فقیهان لازم است تا در چارچوب شریعت براساس قوانین اصولی و مبتنی بر منابع چهارگانه فقهی (قرآن، سنت، عقل و اجماع)، احکام آن را استنباط و در اختیار مکلفان و مردم قرار دهند. پس در اهمیت و ضرورت این مهم کسی شک و تردیدی ندارد، زیرا هر متشرعی خواهان ساماندهی سبک زندگی خود براساس شریعت اسلام است و انتظاری که از فقیهان دارد، پاسخ‌گویی دقیق و کامل به این پرسش‌ها و مسایل است.

۲. ضرورت ورود فقه‌های تخصصی؛

فقه‌ها در بیش از پنجاه کتاب فقهی به همه مسائل ابتلایی مردم در زمان خودشان پرداخته‌اند، اما این بدان معنا نیست که همه حوزه‌های زندگی امروز ما در این کتب فقهی به صورت تخصصی مورد بررسی قرار گرفته است؛ زیرا با توجه به تغییرات و تحولات فزاینده در جهان، حوزه‌های جدیدی پدید می‌آید که نیازمند تدوین کتب

جدید فقهی به صورت تخصصی در آن حوزه‌ها است. از جمله حوزه‌های جدید در جوامع بشری، حوزه تربیت بدنی و ورزش است. هر چند که در گذشته بخشی از مسائل این حوزه با توجه به نیازهای آن روزگار مورد توجه بوده و فقیهان به برخی از آن در بحث سبق و رمایه که از فروع باب الجهاد است، پرداخته‌اند؛ از این جهت که سبق و رمایه می‌توانست قدرت و آمادگی جسمانی را پدید بیاورد تا در جنگ‌ها و نبردها قابل استفاده باشد. اما گستره حوزه ورزش در جهان امروز می‌طلبد تا به‌طور تخصصی در یک کتاب فقهی بدان پرداخته شود و همان‌گونه که کتب فقهی تخصصی چون کتاب الصلاة، کتب الصوم و کتب التجاره تدوین شده، می‌بایست کتاب الریاضه یا فقه ورزش نیز به صورت تخصصی تدوین شود.

۳. کثرت قواعد فقهی قابل استفاده در ورزش؛

قواعد فقهی نمودار نظام مندی علم فقه است؛ بدین معنا که در کبرای استنباط مسائل شرعی قرار می‌گیرد و از آنجا که از منابع استنباط در مسائل مستحدثه و جدید است، از آن می‌توان احکام حوادث بسیاری را استخراج کرد. برخی از قواعد فقهی‌ای که در ورزش کاربرد زیادی دارد و فقیه می‌تواند با استفاده از آن‌ها حکم مسائل مستحدثه ورزش را استخراج کند عبارتند از: قاعده لاضرر و لاضرار، قاعده سبق، قاعده حرمت کمک به گناه، قاعده اتلاف، قاعده منع اشاعه فحشا، قاعده لزوم دوری از لَهو و لعب و لغو، قاعده قرعه، قاعده لزوم نفی سلطه و... . استفاده درست از این همه قواعد پرکاربرد فقهی در ورزش، نیازمند ترسیم یک کتاب فقهی به نام الریاضه یا راه‌اندازی یک رشته علمی به نام فقه ورزش توسط فقیهان است.

۴. استدلال به جامعیت اسلام و شریعت؛

دین اسلام با توجه به آیه شریفه ۲۸ سوره سبأ «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا؛ و ما تو را جز برای این‌که عموم بشر را (به رحمت خدا) بشارت دهی و (از عذابش) بترسانی نفرستادیم»، کافه للناس و جهانی است، یعنی تنها برای همه مسلمانان نیامده، بلکه برای همه جوامع انسانی آمده و تنها مسلمانان، مخاطب قرآن کریم و حضرت رسول (ص) و اهل بیت (ع) نیستند، بلکه همه انسان‌ها هستند، زیرا همه انسان‌ها مخلوق خداوند متعال‌اند و پیامبر گرامی اسلام (ص) فرستاده خداوند برای همه انسان‌ها است.

از این‌رو، جامعیت دین اسلام و شریعت، که یکی از مبادی تصدیقی علم فقه به شمار می‌رود با روی آوردی دین شناختی و از منظر فلسفه فقه بر این نکته دلالت دارد که تمام رفتارهای اختیاری انسان‌ها (مکلفان) دارای حکم

است. (ضیایی فر، ۱۳۹۲: ۳۳۷-۳۵۷) گاهی از این قاعده با عبارت «لکلّ واقعہ حکم» تعبیر می‌شود. بر اساس این قاعده، رفتارهای ورزشی نیز مشمول احکام شرعی هستند و فقه ورزش باید برای گردآوری، استنباط و تدوین این احکام تأسیس شود.

۵. لزوم تدوین و طراحی «نظام تربیت‌بدنی اسلام»؛

برای رسیدن به تمدن نوین اسلامی باید نظام‌های اجتماعی اسلام مانند نظام سیاسی، نظام اقتصادی، نظام تربیتی و... به کمک عقل و متون دینی استخراج شوند. برای رسیدن به نظام تربیتی باید زیرمجموعه‌های آن که نظام تربیت جسمانی، نظام تربیت جنسی، نظام تربیت خانوادگی، نظام تربیت دینی و... بومی و اسلامی شوند. و در نهایت برای رسیدن به نظام تربیت‌بدنی یا نظام تربیت جسمانی، باید فقه ورزش شکل بگیرد. فقه ورزشی که در کنار اخلاق ورزش، فلسفه ورزش، تفسیر ورزش، سیره و حدیث ورزشی، از قطعات تکمیل‌پازل «نظام تربیت‌بدنی اسلام» هستند.

۶. سیطره و تسلط نهادهای بین‌المللی بر ورزش؛

تعداد اعضای سازمان ملل ۱۹۷ کشور هستند اما فیفا (فدراسیون جهانی فوتبال)^۶ ۲۱۲ عضو و کمیته بین‌المللی المپیک^۷ ۲۰۶ عضو دارند. این نشان می‌دهد که نفوذ و سلطه فیفا و کمیته بین‌المللی المپیک بیشتر از سازمان ملل است. وجود این فدراسیون‌های جهانی و لزوم پابندی کشورهای عضو به قوانین این نهادها، زمینه ایجاد نوعی حاکمیت غیرمستقیم را فراهم نموده است؛ به طوری که در سال‌های اخیر، اموری را که سازمان ملل نتوانسته انجام دهد، این نهادهای بین‌المللی ورزش به راحتی آن‌ها را پیاده کرده‌اند. مانند ورود زنان به ورزشگاه، وارد کردن رشته‌هایی مانند وزنه‌برداری و کشتی‌زنان، قضاوت داور زن برای مسابقات مردان و بالعکس و بسیاری دیگر از اموری که با فرهنگ و مذهب ایرانیان و کشورهای اسلامی سازگار نیست اما با اتخاذ قوه قاهره خودشان و در نظر گرفتن جرائم و محرومیت‌های سنگین، این‌گونه فعالیت‌ها را وارد سرزمین‌های اسلامی کردند.

^۶ . Fédération Internationale de Football Association.

^۷ . International Olympic Committee (Ioc).

اگر «فقه ورزش» و به تبع آن «تربیت بدنی اسلامی» شکل نگیرد، نفوذ و سلطه کفّار بر سرزمین‌های اسلامی و به‌ویژه کشور خودمان روزبه‌روز بیشتر خواهد.

از سویی مقام معظم رهبری در دیدار با جمعی از کارگزاران نظام و مهمانان کنفرانس وحدت اسلامی در تاریخ: ۱۴۰۱/۷/۲۲، فرمودند: «نظم کنونی جهان دارد تغییر پیدا می‌کند و نظم جدیدی بر جهان حاکم خواهد شد، نقش ما ایرانی‌ها و جایگاه ما ایرانی‌ها در این نظم جدید چیست؟» و در جای دیگر و در جمع دانش‌آموزان تأکید کردند که: «خودتان را برای نظم جدید جهانی آماده کنید.» (۱۴۰۱/۸/۱۱) این بیانات نشان می‌دهد که فقیهان و اسلام‌شناسان باید علاوه بر این که حالت انفعالی نسبت به نهادهای بین‌المللی ورزش نداشته باشند، بلکه باید برای نظم جدید جهانی که انتقال قدرت از غرب به شرق است خودشان را مهیا کنند. شرط لازم این آمادگی، داشتن نظام تربیت بدنی بومی و اسلامی و فعال بودن فقه ورزش است.

جمع‌بندی

«فقه ورزش»، به معنای مجموعه‌ای از قواعد، دستورها و امر و نهی‌هایی است که فقیه از منابع و ادله تفصیلی استنباط می‌کند و در جهت انجام فعالیت‌های ورزشی، تکلیف عملی ورزشکاران، مربیان، داوران و مسئولان ورزش قرار خواهد گرفت.

ضرورت شکل‌گیری «فقه ورزش»، با توجه به شرایط اجتماعی و سیاسی فقه شیعه در عصر حاضر، دو چندان است. چرا که با توجه به تشکیل جمهوری اسلامی در ایران و حضور فقه در تحولات اجتماعی سده اخیر ایران، فقه شیعه دیگر نمی‌تواند به مسائل اجتماعی، فرهنگی، حکومتی، چه در سطح داخلی یا جهانی و چه در سطح دولتی یا مردمی، بی‌تفاوت باشد.

در همین راستا باید اضافه کرد که صرف نظر از خلأهای شرعی در احکام ورزشی، با توجه به رشد و بالندگی جمهوری اسلامی و نیازهای جدید و نوظهور نظام اسلامی، در بسیاری از مسائل مربوط به ورزش به‌ویژه ورزش قهرمانی و حرفه‌ای، خلأهای قانونی مشاهده می‌شود که قطعاً از عدم حضور تخصصی فقه در ورزش ناشی می‌شود. حضور فعال و پویای فقه ورزش می‌تواند پشتوانه‌ای برای تقنین در مجامع قانون‌گذاری باشد و حتی اگر مجریان و مسئولان جامعه اسلامی، بخواهند نظام تربیت بدنی اسلامی را سامان‌دهی کنند، فقه ورزش

می‌تواند گزاره‌ها و شاخصه‌هایی را عرضه نماید که زمینه را برای برنامه‌سازی و برنامه‌ریزی برای سیاست‌گذاری‌ها و اقدامات عملی فراهم آورد.

در کنار تأسیس «فقه ورزش»، باید شورای فقهی ورزش نظیر شورای فقهی بانک مرکزی تشکیل شود. ویژگی اصلی اعضای این شورا، ورزشی بودن خود آن‌هاست؛ چرا که وظیفه فقیه ورزش، تنها بیان احکام نیست، بلکه فقیه در مقام استنباط علاوه بر حکم، باید موضوع را نیز به درستی بشناسد. تا وقتی که فقیه موضوع را به درستی درک نکرده و اقسام آن را تشخیص ندهد، روا نیست که حکمی را بر آن بار کند. بنابراین هرچه دامنه آگاهی‌های فقیه گسترده‌تر و آشنایی وی نسبت به رشته‌های ورزشی و سبک‌های آن‌ها در زمان خود، بیشتر باشد موضوع و رخدادهای زمان را بهتر درک می‌کند و در دریافت حکم آن‌ها توانا تر خواهد بود.

این پژوهش شروع کار و گام‌های ابتدایی در بحث «فقه ورزش» است. برای این که مباحث فرائین فقه ورزش کامل شود باید به مباحثی نظیر جایگاه‌شناسی فقه ورزش، نظام‌شناسی فقه ورزش، روش‌شناسی فقه ورزش، نظام مسائل فقه ورزش، مطالعات تطبیقی در فقه ورزش و تاریخ فقه ورزش / آرای ورزشی فقیهان پرداخته شود.

امید است که فقها، طلاب و دانش‌جویان رشته‌های فقه و حقوق و تربیت‌بدنی و علوم ورزشی بتوانند با استفاده از خرد جمعی و با روی‌آوردی هم‌افزا و همگرا به سمت تولید و طراحی «نظام تربیت‌بدنی اسلامی» گام بردارند و پیش بروند.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن فارس، ۱۴۱۱ق، معجم مقایس اللغة، چ اول، بیروت: دارالجمیل..
۳. ابن برّاج، ۱۴۰۶ق، المهدّب، چ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۴. ابن منظور، ۱۴۰۵ق، لسان العرب، قم: نشر ادب حوزه.
۵. برهان، محمدحسین بن خلف، ۱۳۶۱، برهان قاطع، تهران: امیرکبیر.

۶. حسین‌زاده، علی محمد، ۱۳۸۷، *فقه و کلام*، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۷. خلجی، حسن و همکاران، ۱۳۹۸، *اصول و مبانی تربیت بدنی و علوم ورزشی*، تهران: سمت.
۸. دهخدا، علی‌اکبر، ۱۳۷۷، *لغت‌نامه دهخدا*، چ دوم، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۳۷۳، *مفردات فی غریب القرآن: فی اللغة و الادب و التفسیر و علوم القرآن*، تهران: مکتبه بوذرجمهری.
۱۰. زبیدی، مرتضی، ۱۴۱۴ق، *تاج العروس من جواهر القاموس*، چ اول، بیروت: انتشارات دارالفکر.
۱۱. شهید اول، محمدبن مکی عاملی، ۱۴۱۹ق، *ذکری الشیعه*، قم: موسسه آل‌البیت.
۱۲. ضیایی فر، سعید، ۱۳۹۲، *فلسفه علم فقه*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
۱۳. طریحی، فخرالدین بن محمد، ۱۳۷۵، *مجمع البحرين*، تصحیح: حسین اشکوری، چ ۳، تهران: انتشارات مرتضوی.
۱۴. طوسی، محمدبن حسن، ۱۳۸۷ق، *المبسوط فی فقه الامامیه*، تهران: المکتبه المرتضویه لاحیاء الآثار الجعفریه.
۱۵. عاملی، حسن بن زین‌الدین (صاحب معالم)، ۱۳۷۸، *معالم‌الدین*، تهران: انتشارات کتاب‌فروشی علمیه اسلامی.
۱۶. عسگری، ابوهلال، ۱۴۱۲ق، *معجم الفروق اللغویه*، چاپ اول، قم: موسسه النشر الاسلامی.
۱۷. فیومی، احمدبن محمد، ۱۴۰۵ق، *المصباح المنیر*، چاپ اول، قم: دارالهجره.
۱۸. قالیباف، محمدباقر، ۱۳۸۹، *نگاه راهبردی به نظام ورزش در کشور از برنامه پیشرفت و عدالت*، تهران: نگارستان حامد.
۱۹. معین، محمد، ۱۳۷۸، *فرهنگ فارسی*، چاپ سیزدهم، تهران: امیرکبیر.
۲۰. مقداد، فاضل، ۱۴۰۳ق، *نضد القواعد الفقہیہ*، تحقیق عبداللطیف کوه‌کمری، قم: مکتبه آیة‌الله مرعشی.
۲۱. موسوی خمینی، روح‌الله، ۱۳۷۹، *صحیفه امام*، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ره.

٢٢. نجفی، محمدحسن، ١٣٦٢ش، *جواهرالکلام فی شرح شرائع الاسلام*، محقق و گردآورنده: علی آخوندی، چاپ هفتم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

٢٣. Mechikoff, Robert A., ٢٠١٤, *A History and Philosophy of Sport and Physical Education: From Ancient Civilizations to the Modern World*, sixth edithion, Published by McGraw-Hill, New York.

Abstract

As a branch of jurisprudence, sports jurisprudence has a special position that determines the Shari'a dos and don'ts of the behaviors of athletes, spectators, managers and other human factors involved in the practice of sports. The jurisprudence of sports, in which the ratio of "jurisprudence" and "exercise" is a plus and minus ratio, tries to find the prescriptions and dos and don'ts from the sources of Islamic Sharia (book, tradition and reason) in the discourse of "Islamic physical training". Extracting and inferring a ruling from Sharia rulings (obligatory, haram, recommended, abomination and permissible) for the optional behaviors of human factors involved in the sports process (including athletes, coaches, managers, policy makers, etc.). The multiplicity of jurisprudential issues and rules widely used in sports, the necessity of specialization of jurisprudence, the comprehensiveness of Islam and Sharia, and the necessity of developing an Islamic physical education system are among the most important reasons for the necessity and importance of the formation of sports jurisprudence.